



ایران تووشه  
IranToooshe.ir

# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ترجمه و حل تمرینات عربی یازدهم تجربی و ریاضی

### الدرس الاول

#### از آیه های اخلاق

ای کسانی که ایمان آورده اید نباید گروهی (از مردان)، گروهی دیگر را مسخره کنند (شاید) آن مسخره شده ها (بهتر از آنها باشند. و نباید زناتی، زناتی دیگر را) مسخره کنند (شاید) آن مسخره شده ها (بهتر از آنها باشند).

و از خودتان عیبجویی نکنید و به یکدیگر لقب های زشت ندهید. بد است پس از ایمان آوردن نام فاسق (بر کسی نهادن). و هر کس توبه نکند پس آنان همان ستمکارانند.

ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان ها بپرهیزید همانا بعضی از گمان ها گناه است. و تجسس نکنید و نباید بعضی از شما غیبت بعضی کند. آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادرش را که مرده است بخورد. البته از آن متنفرد (بیزارید) و از خدا پروا کنید که خداوند بسیار توبه پذیرمهربان است. شاید در بین مردم کسی باشد که از ما بهتر است. پس باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب های دیگران را با سخن پنهانی یا با اشاره ای بیان نکنیم. امیرمؤمنان (علی) ع (فرموده است: بزرگترین عیب آن است که آنچه را که مانند آن در توست) برای دیگران (عیب بشماری).

آیه اول به ما پندمی دهد و می گوید: از دیگران عیبجویی نکنید. و آنها را با لقب هایی که آن را ناپسندمی دارند، لقب ندهید. چه بد کاری است آلوده شدن به گناه. و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

بنابراین خداوند متعال در این دو آیه حرام کرده است:

- ۱ دیگران را مسخره کردن، و آنها را با نام های زشت نامیدن. -
  - ۲ بدگمانی را، و آن تهمت زدن شخصی به شخص دیگر بدون دلیل منطقی است. -
  - ۳ تجسس کردن را، و آن تلاشی زشت برای آشکار کردن رازهای مردم بخاطر رسوا کردنشان است. و آن از گناهان بزرگ و از اخلاق بد در مکتب ماست.
  - ۴ و غیبت کردن را، و آن از مهمترین علت های قطع ارتباط بین مردم است. -
- بعضی از مفسران سوره ی حجرات را که این دو آیه در آن آمده است، سوره ی اخلاق نامیدند.



## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

### عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ:

- ۱- سَمِيَ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجَرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ.....
- ۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطُّ.....
- ۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أَخْتَاكَ بِمَا يَكْرَهُانِ.....
- ۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَةِ مِنَ الْآخِرِينَ.....
- ۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.....

۱- سَمِيَ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجَرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ. **غلط است**

ترجمه: برخی از مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند.

۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَ الْغَيْبَةَ فَقَطُّ. **غلط است**

ترجمه: خداوند در این دو آیه فقط مسخره کردن و غیبت کردن را حرام کرد.

۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أَخْتَاكَ بِمَا يَكْرَهُانِ. **درست است**

ترجمه: غیبت این است که تو برادر و خواهرت را یاد کنی به آنچه که آنها را ناراحت می کند (از آن بدشان می آید)

۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَةِ مِنَ الْآخِرِينَ. **درست است**

ترجمه: قطعاً خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران بر حذر می دارد

۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. **غلط است**

ترجمه: تلاش برای آگاهی از اسرار دیگران کاری زیباست

### اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ ضَعْ خَطَاً تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

۱- أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ:

ترجمه: داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود بیفزاید.

**أَعْلَمُ: اسم تفضیل (داناترین)**

۲- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ:

ترجمه: محبوبترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترینشان نسبت به بندگان است.

**أَحَبُّ: اسم تفضیل (محبوبترین)**

**أَنْفَعُ: اسم تفضیل (سودمندترین)**

۳- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ:

ترجمه: بهترین کارها کسب حلال است

ایران توشه

IranTooshe.ir







## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

افضل: اسم تفضیل (بهترین)

### اخْتَبَرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ

۱- رَبَّنَا أَمَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ:

ترجمه: پروردگار اایمان آوردیم بر ما ببخشای وبه ما رحم کن [که] تو بهترین رحم کنندگانی

خیر: اسم تفضیل (بهترین)

۲- خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عيوبكم:

ترجمه: بهترین برادران شما کسی است که عیبهایتان را به شما هدیه کند

۳- قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ:

ترجمه: بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم از شر آنچه آفرید.

۴- لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ:

ترجمه: شب قدر بهتر از هزار ماه است

۵- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ:

ترجمه: هر کسی که شهوت او بر عقلش غلبه نماید او از حیوانات بدتر است

۶- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينَ:

ترجمه: بدترین مردم دورویان هستند

### اخْتَبَرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱- وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ:

ترجمه: و با آنها به روشی که نیکوتر است مجادله (ستیز) کن پروردگارت به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانایتر است

أحسن: اسم تفضیل: نیکوتر، خوبتر

أعلم: اسم تفضیل: دانایتر

۲- كَانَتْ مَكْتَبَةُ جَنْدِي سَابُورَ فِي خَوْزِسْتَانَ أَكْبَرُ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ:

ترجمه: کتابخانه جندی شاپور در خوزستان بزرگترین کتابخانه در جهان قدیم بود.

مکتبه: اسم مکان: کتابخانه

أكبر: اسم تفضیل: بزرگترین

در گروه های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید



## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

ارسالی جناب آقای سکاکی  
حوار درس اول (صفحه ی 17 عربی یازدهم مشترک)  
(در بازار مشهد)

زائر عرب	لباس فروش
سلام علیکم ( درود بر شما )	علیکم السلام ( درود بر شما ) ، خوش آمدید .
قیمت این پیراهن مردانه چقدر هست ؟	شصت هزار تومان .
ارزانتتر از این میخواهم . این قیمت ها گران (بالا) است .	قیمت پنجاه هزار تومان داریم . بفرما نگاه کن .
چه رنگی دارید ؟	سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش .
این پیراهن های زنانه چند تومان هست ؟	قیمت ها از هفتادوپنج هزار شروع می شود تا هشتادوپنج هزار تومان .
قیمت ها گران هست (بالاست) !	خانم ، قیمت بر حسب جنس مختلف است .
این شلوارها چند تومان هست ؟	شلوار مردانه نود هزار تومان ، و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان .
شلوارهایی بهتر از اینها می خواهم .	آن مغازه ی همکارم هست ، شلوارهای بهتری دارد .
در مغازه ی همکارش	
لطفا ، یک شلوار از این جنس به من بده و ...	مبلغ دویست و سی هزار تومان شد .
مبلغ چقدر شد ؟	بعد از تخفیف به من دویست و بیست هزار بده .

### الْتَمَرِینُ الْأَوَّلُ: أیُّ کَلِمَةٍ مِنْ کَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِیْحَاتِ التَّالِیَةَ؟

- ۱) جَعَلَهُ حَرَامًا : ..... ◆ آن را حرام گرانید. ▲ (حَرَّمَ)
- ۲) الَّذِی لَیْسَ حَیًّا : ..... ◆ کسی که زنده نیست ▲ (مَيِّت)
- ۳) الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ : ..... ◆ گناهان بزرگ ▲ (كَبَائِر)
- ۴) الَّذِی يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ : ..... ◆ کسی که توبه را از بندگان می پذیرد.. ▲ (تَوَّاب)
- ۵) تَسْمِیَةُ الْآخَرِینَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِیْحَةِ : ..... ◆ نامیدن دیگران با اسم های زشت. ▲ (تَنَابُزُ بِالْأَلْقَابِ).
- ۶) ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرِینَ فِی غِیَابِهِمْ : ..... ◆ ذکر کرد آنچه را که دیگران در نبودشان به آن راضی نیستند ( نمی باشند) ▲ (اِغْتَابَ)

### الْتَمَرِینُ الثَّانِی: تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِیْثَ النَّبَوِیَّةَ، ثُمَّ عَیِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.



## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

۱ حسنُ الخُلُقِ نصفُ الدِّینِ .

✦ خوش اخلاقی نصف دین است .

▲ مبتدا : حسن

▲ خبر : نصف

۲ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ

✦ هر کس اخلاقش بد شود ، خودش را عذاب می دهد .

▲ مفعول : نفس

۳ إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ .

✦ تنها برای این که ارزشهای اخلاق را کامل کنم ، برانگیخته شدم

▲ فعل ماضی مجهول : بعثت

▲ مفعول : مکارم

۴ اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خُلُقِي ، فَحَسِّنْ خُلُقِي .

✦ خدایا همانطور که آفرینشتم را نیکو کردی ، اخلاقم را نیکو گردان ..

▲ فعل ماضی : حسنت

▲ فعل امر : حسن

۵ لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ ..

✦ چیزی در ترازوی (اعمال) از اخلاق نیکو ، سنگین تر نیست .

▲ اسم تفضیل : أثقل

▲ جار و مجرور : فی المیزان ، من الخلق







## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

### الْتَمَرِیْنُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْفَعَالَ وَالْمَصَادِرَ الثَّالِیَةَ.

الْتَمَرِیْنُ الثَّالِثُ	الْتَمَرِیْنُ الثَّالِثُ	الْتَمَرِیْنُ الثَّالِثُ	الْتَمَرِیْنُ الثَّالِثُ
تَرْجِمِ الْفَعَالَ وَالْمَصَادِرَ الثَّالِیَةَ	تَرْجِمِ الْفَعَالَ وَالْمَصَادِرَ الثَّالِیَةَ	تَرْجِمِ الْفَعَالَ وَالْمَصَادِرَ الثَّالِیَةَ	تَرْجِمِ الْفَعَالَ وَالْمَصَادِرَ الثَّالِیَةَ
إِحْسَانٌ	أَحْسَنُ	يُحْسِنُ	قَدْ أَحْسَنَ
نیکی کردن	نیکی کن	نیکی می کند	نیکی کرده است
إِقْتِرَابٌ	لَا تَقْتَرِبُوا	يَقْتَرِبُونَ	إِقْتَرَبَ
نزدیک شدن	نزدیک نشوید	نزدیک می شوند	نزدیک شد
إِنْكَسَارٌ	لَا تُنْكَسِرْ	سَيَنْكَسِرُ	إِنْكَسَرَ
شکسته شدن	شکسته نشو	شکسته خواهد شد	شکسته شد
إِسْتِغْفَارٌ	إِسْتَفْغِرْ	يَسْتَغْفِرُ	إِسْتَفْغَرَ
آمرزش خواستن	آمرزش بخواه	آمرزش می خواهد	آمرزش خواست

الْتَمَرِیْنُ الثَّالِثُ	الْتَمَرِیْنُ الثَّالِثُ	الْتَمَرِیْنُ الثَّالِثُ	الْتَمَرِیْنُ الثَّالِثُ
تَرْجِمِ الْفَعَالَ وَالْمَصَادِرَ الثَّالِیَةَ	تَرْجِمِ الْفَعَالَ وَالْمَصَادِرَ الثَّالِیَةَ	تَرْجِمِ الْفَعَالَ وَالْمَصَادِرَ الثَّالِیَةَ	تَرْجِمِ الْفَعَالَ وَالْمَصَادِرَ الثَّالِیَةَ
مُسَافِرَةٌ	لَا تُسَافِرْ	لَا يُسَافِرُ	مَاسَافَرْتُ
سفر کردن	سفر نکن	سفر نمی کند	سفر نکردم
تَعَلَّمَ	تَعَلَّمْ	يَتَعَلَّمَانِ	تَعَلَّمْ
یاد گرفتن	یاد بگیر	یاد می گیرند	یاد گرفت
تَبَادُلٌ	لَا تَبَادُلُوا	تَتَبَادَلُونَ	تَبَادَلْتُمْ
عوض کردن	عوض نکنید	عوض می کنید	عوض کردید
تَعْلِيمٌ	عَلِّمْ	سَوْفَ يُعَلِّمُ	قَدْ عَلَّمَ
آموزش دادن	آموزش بده	آموزش خواهد داد	آموزش داده است

### الْتَمَرِیْنُ الرَّابِعُ: اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ الثَّالِیَةَ كَالْمِثَالِ:

حل تمرین چهارم ( التمرین الرابع )

$$۱۰ + ۴ = ۱۴$$

( ۱ ) عشرة زائدة أربعة يساوى أربعة عشر .

ده به علاوه چهار مساوى چهارده است .

$$۱۰۰ \div ۲ = ۵۰$$

( ۲ ) مئة تقسيم على اثنين يساوى خمسين .





## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

صد تقسیم بر دو مساوی پنجاه است .

(۳) ثمانیة فی ثلاثة یساوی أربعة و عشرين .  $8 \times 3 = 24$

هشت ضرب در سه مساوی بیست و چهار است .

(۴) ستة و سبعون ناقص أحد عشر یساوی خمسة و ستین .  $76 - 11 = 65$

هفتاد و شش منهای یازده مساوی شصت و پنج است .

## الْتَمَرِینُ الْخَامِسُ: عَیْنُ الْمَحَلِّ الْأَعْرَابِیِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوْنَةِ.

(۱) فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ . و عَلَى الْمُؤْمِنِينَ .

ترجمه : پس خداوند آرامشش را بر فرستاده اش و بر مومنان نازل کرد .

سَكِينَتٌ : مفعول و منصوب

رسول : مجرور به حرف جر

(۲) لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا .

ترجمه : خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد .

اللَّهُ : فاعل و مرفوع / نَفْسًا : مفعول و منصوب .

(۳) السَّكُوتُ ذَهَبٌ و الْكَلَامُ فِضَّةٌ .

ترجمه : سکوت کردن طلا هست و سخن گفتن نقره هست .

الْكَلَامُ : مبتدا و مرفوع / فِضَّةٌ : خبر و مرفوع

(۴) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ .

ترجمه : محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگان است .

أَحَبُّ : مبتدا و مرفوع / عِبَادِ مضاف إليه و مجرور

اللَّهُ : مجرور به حرف جر / أَنْفَعُ : خبر و مرفوع

(۵) عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ .

دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان هست .

عَدَاوَةٌ : مبتدا و مرفوع

خَيْرٌ : خبر و مرفوع

صَدَاقَةٌ : مجرور به حرف جر







## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

الْتَّمِرِينَ السَّادِسُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيْبَ وَ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمَ مُبَالِغَةٍ، وَ اسْمَ الْمَكَانِ، وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱- پرودگار مشرق(شرق) و مغرب(غرب)

مشرق و مغرب: اسم مکان

۲- ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد

المحسنین: اسم فاعل

۳- ای مهربانترین مهربانان

الراحمین: اسم فاعل

۴- ای پوشاننده هر عیبی

ساتر: اسم فاعل

۵- ای بسیار امرزنده گناهان

غفار: اسم مبالغه

## الدَّرْسُ الثَّانِي

### ترجمه مدل ۱

فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ فِي بَيْتِ شَاهِ مُعَلِّمٍ

فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطُّالِبُ يَسْتَمْعُونَ إِلَى كَلِمِ مُدَرِّسِ الْكِيمِيَاءِ، وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلٌ الْأَدَبِ، يَضُرُّ الطُّلُبَ بِسُلُوكِهِ، يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلْفَهُ وَ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حِينَ يَكْتُبُ الْمُعَلِّمُ عَلَى السَّبُورَةِ.

در زنگ اول، دانش آموزان به سخنان معلم شیمی گوش می دادند، در بین آنها دانش آموزی آشوبگر و کم ادبی بود، با رفتارش به دانش آموزان ضرر میرساند، گاه به پشت سر خود روی پر می گرداند و با کسیکه پشت سرش بود صحبت می کرد و گاه هنگامی که معلم روی تخته سیاه می نوشت، با کسی که در کنارش می نشست آهسته سخن می گفت.

وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّانِيَةِ كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ الْمُعَلِّمَ عِلْمَ الْأَحْيَاءِ تَعَنَّتْ أ؛ وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّالِثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ؛ فَنَصَحَهُ الْمُعَلِّمُ وَقَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الْإِمْتِحَانِ. وَلَكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَّ عَلَى سُلُوكِهِ.

و در زنگ دوم، دانش آموز برای معج گیری، از معلم زیست شناسی سوال می کرد؛ و در زنگ سوم با همکلاسی شبیه خود صحبت می کرد و می خندید؛ مُعَلِّمِ اورا نصیحت کرد و گفت: هرکس خوب به درس گوش ندهد در امتحان مردود می شود. اما دانش آموز به رفتارش ادامه داد.





## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

فَكَرَّ مِهْرَانُ حَوْلَ هَذِهِ الْمُشْكِلَةِ، فَذَهَبَ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ وَشَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ وَقَالَ: أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ  
إِنْشَاءً تَحْتَ عُنْوَانٍ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ؛ "فَوَافَقَ الْمُعَلِّمُ عَلَى طَلْبِهِ وَقَالَ لَهُ:

مِهْرَانِ پیرامون این مشکل اندیشید، پس نزد معلم ادبیات فارسی رفت و موضوع را برایش توضیح داد و  
گفت: دوست دارم انشائی با عنوان "در پیشگاه معلم" بنویسم؛ پس معلم با درخواستش موافقت کرد و به  
او گفت:

إِنْ تُطَالِعَ كِتَابَ "مُنْيَةِ الْمُرِيدِ" لَزَيْنِ الْإِدِينِ الْعَامِلِ أَيْ "الشَّهِيدِ الثَّانِي" يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِنْشَائِكَ؛ ثُمَّ  
كَتَبَ مِهْرَانُ إِنْشَاءَهُ وَأَعْطَاهُ لِمُعَلِّمِهِ. فَقَالَ الْمُعَلِّمُ لَهُ: إِنْ تَقَرَأَ إِنْشَاءَكَ أَمَامَ الطُّلُبِ فَسَوْفَ يَتَنَبَّهَ زَمِيلُكَ  
الْمُشَاغِبُ.

اگر کتاب "منیة المرید" از زین ال ادین العاملی "شهید ثانی" را مطالعه کنی، تو را در نوشتن انشایت  
کمک می کند، سپس مِهْرَانِ انشایش را نوشت و آن را به معلمش داد. معلم به او گفت: اگر انشایت  
در برابر دانش آموزان بخوانی، همکسی آشوبگرت متوجه خواهد شد.

و هَذَا قِسْمٌ مِنْ نَصِّ إِنْشَائِهِ:

و این بخشی از متن انشاء اوست:

...أَلَّفَ عَدَدٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتُبَ أَلْفِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَالتَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ، وَالْأُخْرَى بِالْمُتَعَلِّمِ؛  
وَالطَّلَابِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ آدَابٌ، مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجَحْ؛ أَهْمُهَا:

...تعدادی از دانشمندان، کتابهایی در زمینه های آموزش و پرورش تألیف کردند، برخی از آنها به معلم  
و برخی دیگر به دانش آموز مربوط می شود؛ قطعاً برای دانش آموز در پیشگاه معلم آدابی وجود دارد،  
که هرکسبه آن پایبند باشد؛ موفق می شود؛ مهمترین آنها:

۱- أَنْ لَا يَعِصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ. از فرمان های معلم سرپیچی نکند.

۲. الْأَجْتِنَابُ عَنْ كَلَمٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلدِّينِ. دوری کردن از سخنی که در آن بی ادبی باشد.

۳. أَنْ لَا يَهْرُبَ مِنْ أَدَاءِ الْوُاجِبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ. از انجام تکالیف مدرسه فرار نکند.

۴. عَدَمُ النَّوْمِ فِي الصَّفِّ، عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ. هنگام درس دادن معلم، در کلاس نخوابد.

۵. أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطُّلُبِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ. هنگامی که معلم می دهد با دیگر دانش آموزان  
صحبت نکند.

۶. أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلِمَةً، وَلَا يَسْبِقَهُ بِالْكَلِمِ، وَيَصْبِرَ حَتَّى يَقْرَأَ مِنَ الْكَلِمِ.

سخنش را قطع نکند، و در سخن از او پیشی نگیرد، و صبر کند تا از سخن گفتن فارغ شود.

۷. الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ، وَالِاسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدَقَّةٍ وَ عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ لَا لِضَرُورَةٍ.

با ادب در برابر او نشستن، و با دقت به سخنانش گوش دادن، و روی بر نگرداندن به پشت سر مگر هنگام  
ناچاری.

لَا مَا سَمِعَ الطَّلَابُ الْمُشَاغِبُ إِنْشَاءَ مِهْرَانِ، نَدِمَ وَ حَجَلَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ.







## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

وقتی دانش آموز آشوبگر، انشای مهران را شنید، پشیمان شد و از رفتارش در کلاس خجالت کشید.

قَالَ الْإِسْأَعُ الْمَصْرِيُّ، أَحْمَدُ شَوْقِي عَنْ الْمُعَلِّمِ : أَحْمَدُ شَوْقِي، شَاعِرٌ مِصْرِيٌّ دَرْبَارَهُ مَعْلَمٌ كَقَت:

قَمِ لِلْمُعَلِّمِ وَفِيهِ التَّجْبِيلُ بَرَايَ مَعْلَمٍ بَرَخِيْزٍ وَ احْتِرَامِش رَا كَامِلٌ بَجَايِ اَوْر

كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا نَزْدِيكٌ بُوْدَ مَعْلَمٍ (چون) پيامبر باشد

أَعْلَمْتُ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَ مَنْ أَلَذَى آيَا فَهْمِيْدِي (كه او) بزرگوارتر و گرانقدرتر از كسي است كه

يَبْنِي وَيُنْشِيْ أَنْفُسَ أَوْ عَقُولًا مِي سَارِدِ وَ جَانَهَا وَ خِرْدَهَا رَا پُرورش مِي دَاد

اَكْتُبْ جَوَابًا قَصِيْرًا، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱) إِلَى مَنْ ذَهَبَ مِهْرَانُ؟

✦ ترجمه : مهران نزد چه كسي رفت ؟

▲ ذَهَبَ مِهْرَانُ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِي

▲ مهران نزد معلم ادبيات فارسي رفت.

۲) كَيْفَ يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ

✦ نشستن جلوي معلم چگونه بايد باشد ؟

▲ عَلَى التَّمِيْزِ أَنْ يَجْلِسَ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ بِأَدَبٍ

▲ دانش آموز بايد در مقابل معلم با ادب بنشيند.

۳) كَيْفَ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَقَتْ إِلَى الْوَرَاءِ ؟

✦ اخلاق (رفتار) دانش آموزي كه به عقب رو برمي گرداند چگونه بود؟

▲ كَانَ طَالِبًا مُشَاغِبًا وَ قَلِيلُ الْأَدَبِ

▲ دانش آموز شلوغ و بي ادبي بود.

۴) مَا اسْمُ الْكِتَابِ الَّذِي قَرَأَهُ مِهْرَانُ فِي مَجَالِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ

✦ نام كتابي كه مهران آن را در زمينه پرورش و آموزش خواند چيست؟

▲ كِتَابُ "مَنْبِيَةِ الْمُرِيْدِ لِزَيْدِ الدِّينِ عَامِلِي" الشَّهِيدِ الثَّانِي

▲ كتاب منيه المرید زین الدین عاملی شهید دوم

۵) فِي أَيِّ حِصَّةٍ كَانَ الطُّلَّابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ أَسْتَاذِ الْكِيْمِيَاءِ؟







## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

✦ در کدام زنگ دانش آموزان به سخن استاد شیمی گوش فرا می دادند ؟

▲ في الحصة الأولى كان الطلاب يستمعون الي كلام أستاذ الكيمياء

▲ در زنگ اول دانش آموزان به سخن استاد شیمی گوش فرا می دادند .

اخْتِزْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَ فِعْلَ الشَّرْطِ، وَ جَوَابَهُ.

الدرس الثاني  
#عربي\_مشترك\_يا\_زدهم  
#اختبر\_نفسك

ارسالي خانم رسولي

♦ ترجمه الايات ثم عين أداة الشرط و فعل الشرط و جوابه :

1 وما تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ  
ترجمه : و هرچه از خوبي براي خودتان پيش بفرستيد آن را نزد خدا مي يابيد

▲ ما : أداة الشرط  
▲ تقدَّمُوا : فعل الشرط  
▲ تجدوا : جواب الشرط

2 إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَعْصِثَ أَعْدَاكُمْ :  
ترجمه : اگر خدا را ياري كنيد (خدا) شما را ياري مي كند و قدمهايتان را استوار مي سازد.

▲ إِنْ : أداة الشرط  
▲ تنصروا: فعل الشرط  
▲ ينصركم : جواب الشرط

3 و إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا :  
ترجمه : و اگر افراد نادان آنها را خطاب كنند سخن آرام مي گويند.  
ترجمه لفظي : و اگر افراد نادان آنها را خطاب كردند سخن آرام گفتند

▲ إِذَا : أداة الشرط  
▲ خاطب : فعل الشرط  
▲ قالوا : جواب الشرط

#درس ۲\_اختبر نفسك

21:24



## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ √×

#الدَّرْسُ الثَّانِي

#عربی-مشارک-یازدهم

#التَّمَرِينِ الْأَوَّلِ

ارسالی خانم صادقیان

أَكْتُبْ جَوَاباً حَسَبَ النَّصِّ الدَّرْسِ

1 التَّعَثُّ طَرَحَ سَوَالٍ صَغْبٍ يَهْدَفُ إِيجَادِ مَشَقَّةٍ لِلْمَسُولِ

ترجمه:

مچ گیری طرح سوال سخت به هدف ایجاد مشقت برای سوال شونده است.

درست

2 عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مَطَالَعَةُ خَوَاصِ الْعُنَاصِرِ

ترجمه:

زیست شناسی دانش مطالعه ویژگیهای مواد است.

غلط

3 الْإِلْتِفَاتُ هُوَ كَلَامٌ خَفِيٌّ بَيْنَ شَخْصَيْنِ .

ترجمه:

التفات همان سخن پنهانی بین دو نفر است.

غلط

4 الْأَسْبُورَةُ لَوْحٌ أَمَامَ الطُّلَابِ يُكْتُبُ عَلَيْهِ

ترجمه:

تخته سیاه تابلویی در مقابل دانش آموزان است که بر آن نوشته می شود.

درست

21:38 ✓

التَّمَرِينِ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْآيَةَ. وَ الْأَحَادِيثَ وَعَيِّنِ فِعْلَ الشَّرْطِ وَ جَوَابَهُ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

1 و مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ .

ترجمه: و هر آنچه از خیر و نیکی انفاق کنید مسلماً خداوند به آن آگاه است .

ما: اداة شرط

تَنْفَقُوا: فعل شرط

ایران توشه

IranTooshe.ir



## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

▲ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ : جواب شرط

○▲ خَيْرٌ : مجرور به حرف جر

▲ مَنْ خَيْرٍ : جار و مجرور.

□۲) مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ .

◆ هر کس دانشی را یاد دهد پس او پاداش کسی را دارد که به آن عمل می کند و از پاداش عمل کننده کم نمی شود .

▲ مَنْ : اداة شرط

▲ عَلَّمَ: فعل شرط

▲ فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ : جواب شرط

▲ الْعَامِلِ : اسم فاعل

□۳) النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا .

◆ مردم دشمن چیزی هستند که ندانستند (نمی دانند).

▲ أَعْدَاءُ : جمع مکسر

▲ مفرد آن : عَدُوٌّ

□۴) إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ .

◆ هر گاه عقل کامل شود سخن کم می شود.

▲ إِذَا : اداة شرط

▲ تَمَّ : فعل شرط

▲ نَقَصَ : جواب شرط ▲ الْعَقْلُ : فاعل

▲ الْكَلَامُ : فاعل

□۵) الْعَالِمُ حَيٌّ وَ إِنْ كَانَ مَيِّتًا .

◆ دانشمند زنده است و اگر چه مُرده باشد.

▲ الْعَالِمُ : مبتدا و مرفوع





## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

▲ حَى: خبر و مرفوع

[۶] قَمَّ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَ إِنْ كُنْتُ أَمِيرًا .

از جایت به خاطرِ پدرت و معلمت برخیز اگر چه فرمانده باشی . . ▲ مجلس: اسم

مکان

▲ مَعْلَم: اسم فاعل

### الْتَّمَرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

ارسالی آقای سکاکی

تمرین سوم درس دوم (صفحه ی 22 عربی یازدهم عمومی)

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمَصْدَر
قَدْ أَنْقَذَ: نجات داده است	يُنْقِذُ: نجات می دهد	أَنْقِذْ: نجات ده	الْإِنْقَاطُ: نجات دادن
إِبْتَغَى: دور شد	لَا يَبْتَغِي: دور نمی شود	لَا تَبْتَغِ: دور مشو	الْإِبْتِعَادُ: دور شدن
إِنْتَخَبَ: عقب نشینی کرد	سَيَنْتَحِبُ: عقب نشینی خواهد کرد	لَا تَنْتَحِبْ: عقب نشینی نکن	الْإِنْتِحَابُ: عقب نشینی کردن
إِسْتَعْدَمَ: به کار گرفت	يُسْتَعْدِمُ: به کار می گیرد	إِسْتَعْدِمْ: به کار بگیر	الْإِسْتِخْدَامُ: به کار گرفتن
جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالِسْ: همنشینی کن	الْمُجَالَسَةُ: همنشینی کردن
تَنَذَّرَ: به یاد آورد	يَتَذَكَّرُ: به یاد می آورد	لَا تَنْتَذِرْ: به یاد میاور	التَّذَكُّرُ: به یاد آوردن
تَعَايَشَ: همزیستی کرد	يَتَعَايَشُ: همزیستی می کند	تَعَايَشْ: همزیستی کن	التَّعَايُشُ: همزیستی کردن
قَدْ حَرَّمَ: حرام کرده است	يُحَرِّمُ: حرام می کند	لَا تُحَرِّمْ: حرام نکن	التَّحْرِيمُ: حرام کردن



## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: ضَعْ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِيْبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

#الدرس\_الثاني  
#التمرين\_الرابع  
#عربي\_مشارك\_يازدهم

ارسالی خانم میرزایی

ضع هذه الجمل و التراكيب في مكانها المناسب .

هؤلاء ناجحات / هذان المفكّيفان / تلك الحصة /  
أولئك مستمعون / هؤلاء جنود / هاتان البطاقتان /

مفرد مؤنث : تلك الحصة  
آن زنگ

مثنى مذکر : هذان المفكّيفان  
این ، دو کولر (این کولر ها)

مثنى مؤنث : هاتان البطاقتان  
این دو کارت (این کارت ها)

جمع مذکر سالم : أولئك مستمعون  
آنها شنونده اند

جمع مؤنث سالم : هؤلاء ناجحات  
این ها موفق هستند

جمع مکسر : هؤلاء جنود  
این ها سربازند

بویرایش شده 23:07

الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: ضَعِ الْمُتَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ ( = ≠ )



## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

#الدرس-الثانی

#التمرین-الخامس

#عربی-مشترب-یازدهم

ارسالی خانم میرزایی

صُعُ الفترادفاتِ وَ الفُتضاداتِ في مَكانِها المُناسِبِ .

وُدٌ / بَعْدُ / تَكَلَّمَ / إجلِسُ / نِهايَة / عداوَة /  
إحترام / أحياء / مَرَّةً / نَفَعَ / ذُئِبَ / هَرَبَ /

إثم = ذُئِبَ : گناه  
تَبَجِيل = إحترام ، بزرگداشت  
تَارَةً = مَرَّةً : یکبار (گاهی)  
حُب = وُد : عشق  
فَرَّ = هَرَبَ : فرار کرد (گریخت)

أُموات ≠ أحياء (مردگان ≠ زندگان)  
دَنَا ≠ بَعْدُ (نزدیک شد ≠ دور شد)  
قُم ≠ إجلِسُ (برخیز ≠ بنشین)  
صَرَّ ≠ نَفَعَ (ضررکرد ≠ منفعت کرد)  
بدايَة ≠ نِهايَة (ابتدا ≠ پایان)  
سَكَّتَ ≠ تَكَلَّمَ (سکوت کرد ≠ صحبت کرد)  
صداقة ≠ عداوَة (دوستی ≠ دشمنی)

23:27 ✓







## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

التَّمَرِينُ السَّادِسُ: اكْمَلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَالْحَادِيثِ، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

#الدرس\_الثاني  
#عربي\_مستوى\_بازدهم  
#التمرين\_السادس

♦ اكْمَلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَ الْحَدِيثِ ، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَ فِعْلَ الشَّرْطِ وَ جَوَابَهُ .

1 و مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ .  
ترجمه :  
و آنچه از کار خیر ... (انجام دهید) ، خدا آن را می داند .  
ما : أداة شرط  
تفعلوا : فعل شرط  
يعلم : جواب شرط

2 إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ .  
ترجمه :  
اگر نیکی کنید ، به خودتان ... (نیکی کردید)  
مَنْ : أداة شرط  
أحسنتم : فعل شرط  
أحسنتم : جواب شرط

3 إِنْ تَثَقَّوْا اللَّهُ يَجْعَلَ لَكُمْ فِرْقَانًا .  
ترجمه :  
اگر از خدا پروا کنید ، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل ... (قرار می دهد)  
إِنْ : أداة شرط  
تثقفوا : فعل شرط  
يجعل : جواب شرط

4 مَنْ سَأَلَ فِي صَغَرِهِ ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ .  
ترجمه :  
هر کس در خردسالی اش بپرسد ، در بزرگسالی اش ... (جواب دهد)  
مَنْ : أداة شرط  
سأل : فعل شرط  
أجاب : جواب شرط

## الدَّرْسُ الثَّالِثُ

### شگفتیهای درختان

پدیده های طبیعت یک حقیقت را اثبات می کنند و آن قدرت خداست. و اکنون بعضی از این پدیده ها را توصیف می کنیم:

انگور برزلی درختی است که با بقیه درختان جهان تفاوت دارد، در برزیل می روید، و میوه های آن روی تنه اش رشد می کند و از مهم ترین ویژگی های این درخت اینست که در طول سال میوه می دهد. درخت سکویا درختی از بلندترین درختان جهان در کالیفرنیا است، گاهی بلندی بعضی از آنها به بیش از ۱۰۰ متری رسد و گاهی قطر آن بالغ بر ۹ متر می شود، و عمرش تقریباً افزون بر ۳۵۰۰ سال می شود.

درخت خفه کننده درختی است که در بعضی از جنگلهای استوایی رشد می کند، زندگی را با پیچیدن دور تنه و شاخه ی درختی آغاز می کند، سپس به تدریج آن را خفه می کند. نوعی از آن در جزیره ی قشم وجود دارد که در استان هرمزگان واقع است .

ایران توشه

IranTooshe.ir



## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

درخت نان درختی استوایی است که در جزایر اقیانوس آرام رشد می کند، و در انتهای شاخه هایش میوه هایمئل نان دارد. مردم مغز این میوه ها را می خورند.

درخت نفت درختی است که کشاورزان آن را مانند پرچینی دور مزرعه ها برای حفاظت محصولاتشان از حیوانات به کار می گیرند. زیرا بوی این درخت بد و ناخوشایند است که حیوانات از آن فرار می کنند، و دانه هایش مقداری روغن دربردارد که سوختن آن ها باعث خارج شدن هیچ نوع از گازهای آلوده کننده نمی شود. و تولید نفت از آن امکان دارد (ممکن است). و یک نوع از آن به اسم درختِ مداد در شهر نیکشهر در استان سیستان و بلوچستان وجود دارد.

درخت بلوط از درختان کهنسال است و گاهی ۲۰۰۰ سال عمر می کند. جنگل های زیبایی از آن در استان ایلام و استان لرستان وجود دارد. سنجاب بعضی از دانه های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می کند، و گاهی جایش را فراموش می کند. و در سال آینده آن دانه بلوط رشد می کند و درختی می شود. کشاورزی کنید و نهال بکارید ... به خدا سوگند مردم کاری را حلال تر و خوب تر از آن انجام نداده اند.

ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- تَبَدُّأُ الشَّجَرَةُ الْخَانِقَهُ حَيَاتَهَا بِالْإِلْتِفَافِ ..... حَوْلَ جَذْعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا.  
درخت خفه کننده زندگیش را با پیچیدن به دور تنه یک درخت و شاخه هایش شروع می کند.
- لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالُ زُيُوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُرُوجَ أَيٍّ ..... غَازَاتٍ ..... مُلَوَّثَةٍ.  
آتش گرفتن روغن های درخت نفت موجب خروج هیچ نوع گاز آلوده کننده ای نمی شود.
- تَوْجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي ..... مُحَافَظَةِ ..... إِيْلَامَ وَ لُرِسْتَانَ.  
جنگل های زیبایی از درختان بلوط در استان ایلام و لرستان یافت می شود.
- قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السُّكُوبَا أَكْثَرَ مِنْ ..... مِئَةِ ..... مِثْرٍ.  
گاهی ارتفاع برخی از درختان سکوپا به بیش از ۱۰۰ متر می رسد.
- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَارًا فِي نِهَآيَةِ ..... أَغْصَانِهَا ..... كَالْخُبْزِ.  
درخت نان در انتهای شاخه هایش میوه هایی مانند نان در بر دارد.
- تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبَرَازِيلِيِّ عَلَى ..... جَذْعِ ..... شَجَرَتِهِ.  
میوه های انگور برزیلی بر تنه ی درختش رشد می کند.





## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

#اختبر\_نفسک  
#عربی\_مشترک\_یازدهم

✿ ارسالی خانم میرزایی ص (۳۰)

✿ إختبر نفسک: ترجم حسب قواعد المعرفة و النكرة .

✿ ۱- اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ  
المِصْبَاحُ فِي رُجَاةٍ الرَّجَاةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ .

✿ خدا نور آسمان ها و زمین است ؛ وصف نورش مانند چراغدانی  
است که در آن چراغی است ، چراغ در میان قندیل بلورینی (شیشه ای)  
است ، که آن قندیل بلورین (شیشه ای ) گویی ستاره تابانی است .

✿ ۲- أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعُصِيَ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ .  
المزمل (۱۶و۱۵)

✿ نزد فرعون ، رسولی فرستادیم پس فرعون از (آن) رسول نافرمانی  
کرد .

✿ ۳- عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ . (رسول الله "ص")

✿ دانشمندی که از علم آن بهره برده می شود از هزار عابد بهتر است .





## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

<p>آر سالی آقای سکاکی</p> <p>حوار درس سوم (صفحه ی 38 عربی یازدهم عمومی)</p> <p>( در ورزشگاه )</p>	
اسماعیل	ابراهیم
بیا به ورزشگاه برویم .	برای دیدن چه مسابقه ای ؟
برای دیدن مسابقه ی فوتبال .	این مسابقه بین کیه ؟
بین تیم صداقت و سعادت است .	دو تیم دو هفته قبل مساوی شدند .
آن را به یاد می آورم .	آکدام تیم فروتر هست ؟ ( کدام یک از دو تیم )
هر دو قوی هستند . باید به ورزشگاه برویم	به چشم . بیا برویم .
در ورزشگاه	
نگاه کن ؛ یکی از مهاجمین تیم صداقت آمد .	او به سمت دروازه بان سعادت حمله کرد .
گلی ثبت خواهد کرد . ( یک گل خواهد زد )	گل ، گل !
اما داور گل را نپذیرفت ؛ چرا ؟!	شاید به خاطر افساید . نمی دانم . آه ، خطا
نگاه کن ، حمله ای قدرتمند از جانب بازیکن صداقت .	آفرین ، دروازه بان تیم سعادت مرا خیلی شگفت زده می کند .
ساعت چند است ؟	دو دقیقه به پنج .
داور سوت می زند .	بار دوم بدون گل مساوی شدند .





## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

الدرس\_الثالث

#عربی\_مشتَرک\_یاَزدهم

#التمرین\_الأول

ارسالی خانم رحیمی

♦ أئِ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ الثَّالِيَةِ

1 بَحْرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْباً.

♦ ترجمه : دریایی که تقریباً معادل یک سوم زمین است .

▲ المحيط الهادئ : اقیانوس آرام

2 اَلتَّجْمُعُ وَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ .

♦ جمع شدن و چرخیدن اطراف چیزی .

▲ التفات : در هم پیچیدن

3 اَلَّذِي يُعْطِيهِ اللّهُ عُمْراً طَوِيلاً .

♦ کسی که خدا به او عمری طولانی می بخشد ( می دهد ) .

▲ مُعَمَّر : کهن سال

4 اَلَّذِي يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ .

♦ کسی که در مزرعه کار می کند .

▲ مُزَارِع ، فَلاح ، زارع : کشاورز

5 صِفَاتُ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ .

♦ صفات کسی یا چیزی .

▲ مُوَاصِفَات : ویژگی ها

ایران توشه

IranTooshe.ir



## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

الدرس\_الثالث

#عربی\_مشتَرک\_یاَزدهم

#التمرین\_الثانی

ارسالی خانم صادقیان

♦ تَرْجِمِ الْاَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ

1 ما مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعاً أَوْ يَغْرِسُ غَرْساً فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةٌ

♦ ترجمه: هیچ مسلمانی نیست که زراعتی کشت کند یا نهالی بکارد پس پرنده یا انسان یا چارپایی از آن بخورد جز اینکه برای او صدقه باشد.

▲ جارومجرور: مِنْ مُسْلِمٍ

▲ اسم فاعل: مُسْلِمٍ

2 ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْساً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدَرًا مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ

♦ هیچ مردی نیست که نهالی بکارد جز اینکه خداوند به اندازه آنچه از میوه آن درخت خارج می شود، برای او از پاداش نویسد (نوشت)

▲ فعل ماضی: كَتَبَ

▲ مفعول: غَرْساً، قَدَرًا

3 سَأَلَ النَّبِيُّ (ص): أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ

♦ از پیامبر(ص) سوال شد: کدام مال بهتر است؟ گفت (فرمود): زراعتی که صاحبش آن را بکارد.

▲ فعل مجهول: سَأَلَ

▲ فاعل: صَاحِبٌ

✓ ویرایش شده 20:35





## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

# الدرس\_الثالث  
# عربی\_مشتَرک\_یا زدهم  
# التمرین\_الرابع (ألف)

ارسالی خانم صادقیان

♦ ألف: عَيْنُ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةُ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النُّكْرَةِ

1 سَمِعْتُ صَوْتاً عَجِيباً  
♦ ترجمه: صدای عجیبی را شنیدم

2 وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ  
♦ ترجمه: به روستا رسیدم.

3 نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي  
♦ ترجمه: نگاهی به گذشته

4 الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ  
♦ بندگان درستکار

5 السَّوَارُ الْعَتِيقُ  
♦ ترجمه: دستبند کهنه

6 التَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ  
♦ ترجمه: تاریخ زرین

## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

تمرین پنجم درس سوم (صفحه ی 35 عربی یازدهم عمومی)

اسم الفاعل	المصدر	فعل الأمر	الفعل المضارع	الفعل الماضي
الموافق	التوفيق	وافق	يوافق	وافق
الموفق	الموافقة	وفق	يوفق	
المقرب	التقرب	قرب	يقرب	تقرب
المتقرب	التقريب	تقرب	يتقرب	
المتعارف	المعارفة	تعارف	يتعارف	تعارف
المعرف	التعارف	عرف	يتعارف	
المشتغل	الانشغال	اشتغل	ينشغل	اشتغل
المنشغل	الانشغال	انشغل	يشغل	

اسم الفاعل	المصدر	فعل الأمر	الفعل المضارع	الفعل الماضي
المتفتح	الاستفتاح	انفتح	يفتح	انفتح
المنفتح	الافتتاح	تفتح	ينفتح	
المسترجع	الارتجاع	استرجع	يسترجع	استرجع
المرجع	الاسترجاع	راجع	يرجع	
المنزل	النزول	انزل	ينزل	نزل
النازل	التنزيل	نزل	ينزل	
الأكرم	الإكرام	أكرم	يكرم	أكرم
المكرم	التكريم	كرم	يكرم	

